

آب و هوا نگاری

به روایت

ناصرالدین شاه قاجار

از جمادی الاول ۱۲۹۹ الی جمادی الاول ۱۳۰۰ ... از فروردین ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۲

روزنامه آب و هوا



من ساز بایرام زاد

انتشارات پرنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

● روزنامه آب و هوا: آب و هوانگاری به روایت ناصرالدین شاه قاجار

● **الناز بایرامزاده**

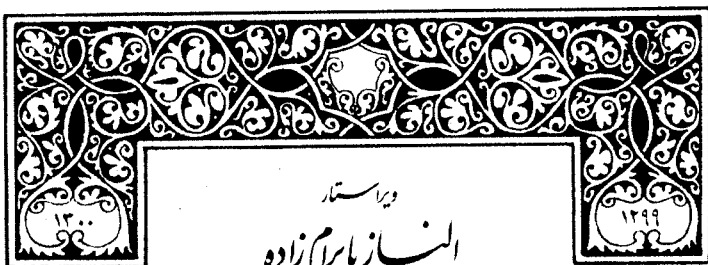


انشارات پرنده

● مدیر هنری و طراح گرافیک: سعید صادقی ● مدیر اجرایی: سپیدامین سقراطی ● حروف نگار: ملیحه انتصاری
● تابستان ۱۳۹۹. چاپ اول ● تیسرا: ۵۰۰ نسخه ● قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان ● چاپ: سورنا ● شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۵-۲۵-۰ ● پیش: ققنوس ● حق چاپ محفوظ است ©

● سرشناسه: بایرامزاده، الناز، ۱۳۶۶- ● عنوان و نام پدیدآور: روزنامه آب و هوا از جمادی الاول ۱۳۹۹ الی جمادی الاول ۱۴۰۰...
از فروردین ۱۲۶۱ تا فروردین ۱۲۶۲: آب و هوانگاری به روایت ناصرالدین شاه قاجار/ ویراستار: الناز بایرامزاده. ● مشخصات نشر:
تهران: انتشارات پرنده، ۱۳۹۹. ● مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص. ۲۷/۵×۱۳/۵. س. م. ● فروست: جستارهای تاریخی: ۰.۶ ● شابک:
۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۵-۲۵-۰ ● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● موضوع: ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. --
خاطرات ● موضوع: هواشناسی -- ایران -- تاریخ ● موضوع: Meteorology -- History -- Iran ● رده بندی کنگره: DSR ۱۳۶۹
● رده بندی دیویی: ۹۲.۰۷۲۵/۹۵۵ ● شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۷۹۰۵۴

● نشانی: تهران، خیابان آیت ا... طالبانی، خیابان برادران شهید مظفر همدانی، بن بست کیا، پلاک ۷، واحد ۲ ● تلفن: ۸۸۹۱۰۲۸۱-۰۲۱
● وبسایت: www.parandepub.ir ● ایمیل: info@parandepub.ir

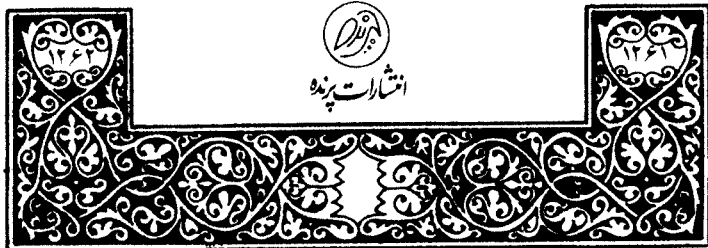


ویراستار
انساز بایرام زاده

روزنامه آب و هوا

از جمادی الاول ۱۳۹۹ الی جمادی الاول ۱۳۰۰... از فروردین ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۲

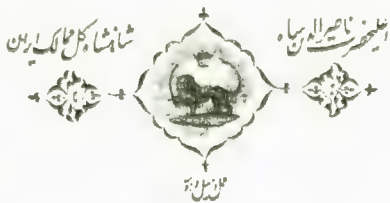
آب و هوا نگاری
به روایت
ناصرالدین شاه قاجار

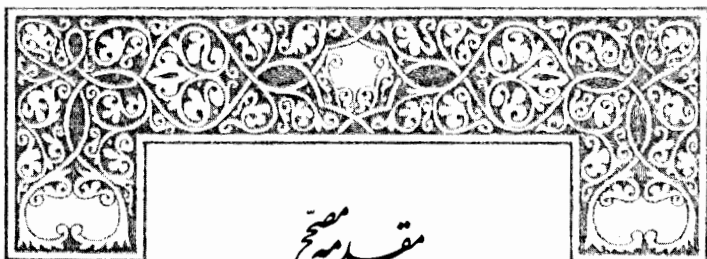


چندر
انتشارات چندر



NASSIR-ED-DIN — SEAN ET PIERRE





ناصرالدین شاه قاجار که چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه بود، شش صفر سنه ۱۲۷۴ ه. ق در قریه کهنمو در حوالی تبریز به دنیا آمد. پدرش محمدشاه قاجار و مادرش ملک جهان خانم مهدعلیا از زنان مقتدر دربار قاجاریه بود. وی پس از درگذشت پدرش بر اثر بیماری نقرس در قصر محمدیه در حوالی باغ فردوس در سنه ۱۲۶۴ ه. ق به تخت سلطنت نشست و تا هفده ذی القعدة سنه ۱۳۱۳ ه. ق سلطنت کرد و چند روز قبل از برگزاری جشن قرن که جشن پنجاهمین سال سلطنتش بود در حرم شاه عبدالعظیم رضی الله عنه حسنی رضی الله عنه توسط میرزا رضا کرمانی ترور شد و سلطان صاحبقران به دلیل ترورش در حرم شاه عبدالعظیم حسنی رضی الله عنه با نام «شاه شهید» خوانده شد.

ناصرالدین شاه در دوران پنجاه ساله سلطنتش ایران را در بسیاری از جهات روبه جلو حرکت داد و زمان سلطنت او دوران نخستین ها بود. او پادشاهی خاطره نویس، نقاش، خطاط، عکاس و شکارچی بود.

وی علاقه زیادی به ثبت و تحریر خاطرات روزانه خود داشت و به شرح وقایع روزانه که شامل عکاسی، نقاشی و شکار به همراه سفرهای گوناگون داخلی و رفتن به بیلاقات بود، پرداخته است اما آن چه حائز اهمیت است در این روزنامه خاطرات، بسیار کم به وقایع سیاسی مملکت پرداخته است. بلکه آن‌ها را در دفترچه‌های مجزائی به صورت رمز و تلگرافی نگاشته است.

یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه نوشتاری ساده و بی‌تکلف به دور از هرگونه الفاظ پرطمطراق است که درباریان و زنان حرم‌خانه در نامه‌نگاری با شاه بدان استناد می‌کردند. در بسیاری از خطوط، ناصرالدین‌شاه خود را با لفظ «ما» جمع بسته است.

در این روزنامه‌ها شاه اطرافیانش را با همان لفظی که خود بکار می‌برد یاد کرده است مثل: چُرْتی، دُلْچه، جوجه، باشی و ... کتاب فوق حاصل استنساخ بخشی از روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه به قطع رحلی بزرگ از صفحه ۲۰۲ الی صفحه ۳۹۳ است که اصل آن در بخش اسناد خطی سازمان اسناد ملی ایران تحت شماره ی ۷۴۷۹-۲۹۵ در بخش آلبوم‌های بیوتات بایگانی شده است.

روزنامه مبارکه، روزنامه هوا و اثرهای آسمانی و زمینی است که در طول یک سال از هجدهم شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۹۹ ه. ق الی هجدهم شهر جمادی‌الاول سنه ۱۳۰۰ ه. ق توسط ناصرالدین‌شاه قاجار تحریر شده است. بخش‌هایی از این روزنامه خاطرات به خط کاتب تحریر شده است. ناصرالدین‌شاه در این روزنامه به ذکر وقایع آب و هوا و انقلابات آسمانی پرداخته است و در خلال نگارش آب و هوا به شرح وقایع آن روز که بعضی در دارالخلافه الباهره طهران

در عمارت ارگ سلطنتی گلستان، یا به دید و بازدید خانه رجال و مهمانی‌های اعیانی و بعضی از آن درییلاقات اطراف طهران به شکار گذشته پرداخته است. در طول این یک سال شاه سفری به نمارستاق مازندران نیز داشته است که به شرح وقایع سفر و آب و هوای نمارستاق پرداخته است. از جمله مطالب دیگری که شاه به آنها پرداخته است ستاره دنباله‌دار و پدیده خورشیدگرفتگی است و در انتهای پایانی کتاب به شرح عروسی تومان‌آغا فخرالدوله دختر ادیب ناصرالدین‌شاه با مهدیقلی‌خان مجدالدوله پسر دایی ناصرالدین‌شاه پرداخته است.

کتاب حاضر تنها کتابچه آب و هوای ناصرالدین‌شاه قاجار است که تحریر و مرقوم شده است در سایر مجلدات تنها به ذکر وقایع روزانه، وقایع جاری کشور و شرح سفرهای داخلی و خارجی پرداخته است، از این جهت مطالعه این کتاب در شناخت ذوق و توجه ناصرالدین‌شاه قاجار در باب آب و هوا حائز اهمیت است. و تنها همین یک سال، کتابچه‌اش مرقوم شده است، با مراجعه به اسناد آرشیوی به مورد مشابهی برخوردیم.

شیوه‌ی تصحیح

در شیوه‌ی تصحیح و باز نویسی این متن که به خط ناصرالدین‌شاه قاجار است، به اصل متن وفادار مانده‌ایم و تنها بخشی از رسم الخط را که با رسم الخط امروزی متفاوت است، به شیوه امروزی تحریر کرده‌ایم.

الفاظی مانند: برخاستم، خابیدم، خاندم که به رسم الخط امروزی برخواستم، خوابیدم، خواندم تحریر شده است.

یا الفاظی مانند: خانها، عینها که حرف «ها» ادغام شده است، جدا گردیده و به صورت خانه‌ها، عین‌ها تحریر شده است.

بعضی کلمات «بای» اضافه متصل به کلمه تحریر شده است مثل: بجای، بخانه، بخاطر، بخاندن که «بای» اضافه جدا گردیده و به صورت به جای، به خانه، به خاطر، به خواندن تحریر شده است.

املای برخی کلمات اشتباه است مثل: جعده، زرع، رذالت، کسیف، طوله، خائنده، هرزگی که املای صحیح آنها به این صورت نوشته شده است: جاده، ذرع، رذالت، کثیف، توله، خواننده، هرزگی. که بعضی موارد را به همان رسم الخط در متن آورده‌ایم و بعضی موارد اصلاح شده در زیرنویس متن شرح داده شده است.

نظر به این که ناصرالدین شاه اشخاص را با اسم کوچک یا لقبی که خودش داده بود، خطاب می‌کرد و یا بعضی اشخاص را تنها به ذکر لقبش اکتفاء کرده است برای آگاهی خوانندگان، پژوهشگران و محققین گرامی اسم کامل آن شخص با شمه‌ای از شرح حال آنها به صورت زیرنویس نوشته شده است.

در شناسائی بعضی از این اشخاص و ابنیه و اماکن جغرافیایی از خود روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه استفاده شده است.

امیدوارم که این کتاب مورد استفاده تمامی محققین، پژوهشگران و جویندگان راه حقیقت قرار گیرد.

روزنامه‌ی مبارکه

دفتر اول



شماره ۱۸ جمعه ۱۸ جمادی الاول سنه ۱۲۹۹ یونس
۱۳۰۰ مطابق ۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

از روز جمعه ۱۸ هجدهم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۹۹ یونت نیل^۱، یعنی ۱۸ روز از عید نوروز گذشته، روزنامه هوا و اثرهای آسمانی و زمینی است که بعون الله تعالی الی آخرین سال می نویسم.
انشاء الله تعالی

طهران

روز جمعه ۱۸ هجدهم جمادی الاول، مطابق ۱۸ حمل^۲ [سنه ۱۲۹۹]
هوا صاف است، آفتاب خوب است، اما سرد است. آخر بنفشه
طهران است. شکوفه، زردآلو، آلوچه، بادام، سیب باز است؛ شکوفه
هلو. اول گل زرد شب بوست یعنی چند روز است، درآمده است.
روی کوه البرز ابرهای سفید هست، باد کمی می آید، از غربی چنار
تازه برگ کوچک می کند.

هفت ساعت و نیم به غروب مانده، از طرف جنوب در بالا ابر سفید
پیدا شد. ابرهای سفید روی البرز طرف شمال بزرگتر شد و بالا آمد
باد قدری شدیدتر شد. سمت مشرق هم خورده ابرهای سفید بلند
است. مغرب ابر نیست. برگ گل زرد یعنی برگ سبز درخت گل تازه
روئیده است و همچنین گل سرخ و مشکبجه^۳، برگ بید مجنون تازه
سبز می شود.

۱. یونت نیل؛ سال ایغوری، سال اسب، نام سال هفتم از دوره ی دوازده ساله ترکی. (لغت نامه دهخدا)

۲. برج حمل؛ اولین برج فلکی منطقه البروج به معنی بزه، مطابق با فروردین ماه. (فرهنگ عمید)

۳. مشکبجه؛ گلی است سفید و خوش بوی و آن رانسیرین گویند. (لغت نامه دهخدا)

برگ درخت گل بداغ^۴ باز شده ، غنچه بسته است . پنج به غروب مانده سمت قبله یعنی جنوب و مغرب و مشرق ابرشدیدگی شد . روی البرز هم ابرخیلی بالا آمد ، قدری سمت الرأس گل گل آسمان است کبود .

باد هم تندتر شد سه ساعت و ربع حالا به غروب مانده هوا تماماً ابر شد ، باد ایستاد . اما نسیم سردی دارد و شروع به باریدن باران کرد ، نم نم می آید . دو ساعت و نیم به غروب مانده ، طرف جنوب ، مغرب باز شد ، باران ایستاد اما طرف شمال و سمت الرأس همه ابر است . بعد ابرها کم و آفتاب شد . وقت غروب آفتاب طرف مغرب ابر بلند شده بود سمت جنوب و غیره هم تک تک ابر بود ؛ شب صاف شد و پُرسِتاره ساعت چهار مهتاب زد .

روز شنبه ، ۱۹ جمادی الاول ، مطابق ۱۹ حمل (سنه ۱۳۹۹)

دو ساعت و بیست دقیقه از دسته^۵ گذشته ، هوا صاف و آفتاب است . روی کوه البرز الی بالای آسمان ابراست و طرف شمران در هوا غبار ، مه مثل دود دارد . طرف مشرق صاف است ، اما کمی در بالاها ابر سفید هست . جنوب صاف است . مغرب صاف ، باد هیچ نیست . هوا گرم و دم دار است . چهار ساعت به غروب مانده همه جای آسمان ابر شد ، اما نازک که شعاع آفتاب کمی می زند و گاهی آفتاب تند می شود ، گاه کم . سه ساعت به غروب مانده ابر کامل

۴ . بداغ : به دو صورت بُدَاغ و بوداغ تحریر شده است ، برگ هایش پنجه ای و گل هایش سفید رنگند .
(لغت نامه دهخدا)

۵ . دسته : اصطلاحی بوده است که برای ساعت دوازده ظهر و ساعت دوازده شب بکار می رفته است .
(لغت نامه دهخدا ، مکاتبه شخصی با دکتر رضا کسروی اسفند سال ۱۳۹۸)

شد و تمام آسمان را گرفته است. باد نیست الی غروب آفتاب به همان حالت ابر بود؛ بی باد و گرم. دو ساعت و نیم از شب رفته ابر است و باد بسیار آمد شدید.

روز یکشنبه، ۲۰ جمادی الاول، مطابق ۲۰ حمل (سنه ۱۲۹۹)

سه ساعت و نیم از دسته رفته، هوا صاف بود. روی کوه البرز به هیچ وجه ابر و مه ندارد، باد سردی می آمد. طرف جنوب و مغرب بالاها آسمان ابرهای سفید نازک دارد کم و همچنین طرف مغرب. طرف ظهر و بعد بعضی ابرها طرف جنوب و غیره به هم رسید اما سفید و کم قوت بود. باد هم آمد؛ بعد کم کم صاف شد، باد هم کم کم ایستاد الی غروب همین طور بود.

روز دوشنبه، ۲۱ جمادی الاول، مطابق ۲۱ حمل (سنه ۱۲۹۹)

امروز از صبح ابر بود. تمام آسمان گاهی آفتاب کمی می شد، باز ابر می شد الی غروب همین طور ابر و آسمان خفه و دل تنگ بود. امروز با همه حرم هم رفته بودیم قصر قاجار^۶ از صبح، عصر باز مراجعت به شهر شد. کشتی گیر و خواننده ها و الواط^۷ و غیره، کریم شیره^۸،

۶. قصر قاجار: فتحعلی شاه قاجار در سنه ۱۲۱۳ ه. ق در حدود ایستگاه قصر، در تقاطع جاده ی قدیم شمیران و خیابان عباس آباد قصر زیبایی که به نام قصر قاجار معروف شد بی افکند. ناصرالدین شاه قاجار در سنه ۱۲۸۶ ه. ق در بناهای سابق قصر تغییراتی به وجود آورد و ملحقاتی به آنها افزود. قصر قاجار از نقاط بسیار زیبایی تهران و خوش منظره بود. در دوره رضا شاه پهلوی این قصر به زندان تبدیل شد و امروزه این مکان با نام باغ موزه قصر شناخته می شود. (مائرالسلطنیه / تهران در گذشته و حال، دکتر حسین کریمان، صص ۴۳۲ الی ۴۳۵)

۷. الواط: جمع لوطی به معنی سرکش. (لغت نامه دهخدا)

۸. کریم شیره ای: دلچک معروف دربار ناصری بود، وی نایب نقاره خانه و نایب رئیس بود و نقاره چی ها را تحت اداره داشت. کریم یک خری داشت که سوار بر آن می شد و اعیان و اشراف برای این که از شر زبان و متلک هایش در امان باشند، مبلغی به عنوان نعل بهای خر کریم به او می دادند. گرچه رنگ و

لوطی تبریزی^۹، اسمعیل بندباز^{۱۰} و غیره همه بودند؛ پیشخدمت‌ها، عضد الملک^{۱۱} و غیره آمدند. توی باغ حرم پشت تجیر^{۱۲} بودند. قدری همباران آمد اما ایستاد.

روز سه‌شنبه، ۲۲ جمادی‌الاول، مطابق ۲۲ حمل (سنه ۱۲۹۹)

صبح ابر کمی بود. گاهی آفتاب، گاهی ابر. پنج‌ونیم به غروب مانده ابر است و باد تند می‌آید. ابر و آفتاب است؛ بعد ابر شد الی غروب و شب هم ابر بود اما ابر بی باران و آرام بی باد و گرم.

روز چهارشنبه، ۲۳ جمادی‌الاول، مطابق ۲۳ حمل (سنه ۱۲۹۹)

از صبح زود ابر و باد و باران بود. حالا هم که چهار ساعت گذشته از دسته می‌رود باد می‌آید و باران ریز می‌آید. ۶ به غروب مانده خیلی شدید بارید، بعد باز ایستاد، اما ابر بود.

رویش مانند شیرهای با بود ولی شیره‌کش نبود. همه او را به خاطر نیش و کنایه‌هایش با نام کریم پشه می‌شناختند. کریم شیرهای انتقادهای بسیار تندی از شاه و درباریان می‌کرد از جمله، القاب درباریان و شاهزادگان را به شدت و با کلمات زشت مسخره می‌کرد. (اصلائی همدان)، محمدرضا (۱۳۸۵). فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز. تهران، کاروان ص ۱۱۶ / شرح حال رجال ایران، ج ۱، صص ۳۹۷، ۳۹۶)

۹. لوطی تبریزی؛ دلقک دربار ناصری بود.

۱۰. اسمعیل بندباز؛ همان‌طور که از نامش پیداست بندباز بود، اما اطلاعات دقیقی از او در دسترس نیست.

۱۱. عضدالملک؛ علیرضاخان اسکندرلوی قوانلوی قاجار عضدالملک نایب‌السلطنه پسر موسی خان دابی ناصرال‌الدین شاه بود. در اوایل سلطنت ناصرال‌الدین شاه غلام بچه بود و در سنه ۱۲۷۱ ه. ق. غلام بچه باشی رئیس غلام‌بچه‌ها و بعد پیشخدمت خاصه ناصرال‌الدین شاه شد.

در سفر عتبات ناصرال‌الدین شاه در سنه ۱۲۸۷ ه. ق. و سفر اول و دوم فرنگ ملتزم رکاب بود. مهر داری، خوانسارازی، حکومت مازندران، ایلخانی‌گری ایل قاجار، وزیر دادگستری و رییس صندوق عدالت یعنی وزارت دادگستری از دیگر مشاغل او بود. وی نایب‌السلطنه احمدشاه قاجار بود و در رمضان سنه ۱۲۲۸ ه. ق. در سن نود سالگی در تهران درگذشت. شرح حال رجال ایران، ج ۲، صص ۴۳۵ الی ۴۴۲)

۱۲. تجیر، پرده‌ی بزرگ و ضخیم که آویخته نیست و با ستون‌های چوبی و طناب استوار می‌شود. تجیر معمولاً برای محافظت زنان حرم‌خانه از دید نامحرم افراشته می‌شد. (فرهنگ عمید)

سه ساعت و نیم به غروب مانده ، باران بسیار شدیدی آمد به طوری که مثل طوفان تا سه دقیقه بعد کمتر شد؛ دو دقیقه دیگر کمی باز شد، قدری آفتاب شد بعد هوا بالتره صاف و آفتاب خوب شد، بعد کم کم باز ابر شد. غروب آفتاب روی کوه البرز ابرهای سیاه پیدا شد و آسمان در آنجا صدا می کرد و متصل برق می زد. بعد کم کم همه آسمان سیاه و مهیب شد.

وقت شام که چیده بودند یک ساعت از شب رفته چنان رعد و برق شد و باد تند آمد و باران شدید آمد که زهره آدم می رفت. آگه خدای نخواستہ یک ساعت این طور می بارید و رعد و برق بود همه جا خراب می شد. شش، هفت، ده دقیقه بیشتر طول نکشید ایستاد. لیکن ابر بود و گاه گاهی می بارید، بعد کم کم هوا آرام شد. صبح گفتند در همین ساعت که برق می زد قریب هفت هشت نفر مرد، زن، بچه را در توی شهر برق زده کشته است. از آن جمله محمد جواد نامی است، برادر آقای مهدی نایب فزاش خانه، برادر معصومه^{۱۳} می گفت: پسر هیجده ساله ای را در همسایگی ما زده است. ساری اصلان^{۱۴} می گفت: در کوچه آنها پسری را کشته است. خلاصه یک بلائی بود.

۱۳. معصومه : همسر صیغه ای ناصرالدین شاه بود که در همین سال بدون اولاد درگذشت .
(گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار ، به کوشش فاطمه قاضیها ، ص ۲۲۶ / روزنامه خاطرات محمّد حسن خان اعتمادالسلطنه ، ص ۱۹۵)

۱۴. ساری اصلان : رحمت الله خان افشار ملقب به ساری اصلان از خوانین افشار خسته و حاکم کنگاور بود و ی ابتدا در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه میر شکار بود و پس از کشتن پلنگ با خنجر در حضور شاه ملقب به ساری اصلان به معنای شیر زرد شد و بعدها منصب امیر تومار را گرفت . وی در سنه ۱۳۱۶ ه . ق در سن هشتاد سالگی بر اثر پرت شدن از اسب درگذشت . (چهل سال تاریخ ایران ، ج ۲ ، صص ۴۹ ، ۷۷۹ ، ۳۱۶ / افضل التواریخ ، غلامحسین افضل الملک ، ص ۲۶۹)

روز پنج‌شنبه، ۲۴ جمادی‌الاول، مطابق ۲۴ حمل اسفند ۱۳۹۹
صبح هوا صاف، آفتاب خوب بود. کمی باد می‌آمد، سوار هم
شدیم. نیم ساعت به غروب مانده از طرف مغرب و قبله جنوب ابر
برخاست، هوا را گرفت.

روز جمعه، ۲۵ جمادی‌الاول، مطابق ۲۵ حمل اسفند ۱۳۹۹
هوا بسیار صاف و آفتاب خوب بود، بی‌باد. خیلی هوای خوب بود،
هیچ ابر نشد.

روز شنبه، ۲۶ جمادی‌الاول، مطابق ۲۶ حمل اسفند ۱۳۹۹
هوا صاف و ابر نیست، باد هم نیست. لیکن از ظهرالی عصر هوا
ابر شد، همه جا را ابر گرفت. بسیار کمی هم بارید اما شب را صاف
شد و ابرها رفتند. حالا اول گل ارغوان است در طهران.

روز یکشنبه، ۲۷ جمادی‌الاول، مطابق ۲۷ حمل اسفند ۱۳۹۹
صبح هوا صاف و آفتاب بود، اما باد تندی می‌آمد و سرد. این باد
الی غروب همین‌طور آمد. گاهی هم هوا ابر می‌شد مثلاً پنج به غروب
مانده تمام آسمان ابر شد. باز ابرها رفته.
امروز برگ تبریزی تازه باز می‌شود و سبزی کمی می‌دهد. گل یاس
شیروانی تازه باز می‌شود. شب بوی زرد در عین کمال است. گل
ارغوان تازه سرخی می‌دهد. شکوفه آلبالو، سیب، امرود^{۱۵}، آلوچه و
غیره در کمال است.

روز دوشنبه، ۲۸ جمادی الاول، مطابق ۲۸ حمل است ۱۷۹۹

هوا صاف و آفتاب خوب بود، باد نبود. در بالای آسمان البرز و غیره بعضی ابرهای سفید بود. رفته بودیم به شمیرانات شکوفه آلبالو و غیره در عشرت آباد^{۱۶} باز شده است و در قصر قاجار هم . اما در سلطنت آباد تازه شکوفه آلبالو و کمه زده است . آلوده بازاست با زردآلو . امروز ظل السلطان^{۱۷} رفت حضرت عبدالعظیم که برود اصفهان .

روز سه شنبه، ۲۹ جمادی الاول، مطابق ۲۹ حمل است ۱۷۹۹

هوا صاف، آفتاب، خوب، آرام، بی باد الی غروب. امروز سردار ایوب خان^{۱۸} پسر امیرشیرعلی خان افغان، با افغان زیاد وارد طهران شد.

۱۶. عشرت آباد: به دستور ناصرالدین شاه در سنه ۱۲۹۱ ه. ق. پس از بازگشت از سفر اول فرنگ در محلی مابین قصر قاجار و باغ نگارستان قصری بنام عشرت آباد احداث گردید که عمارتی چهار طبقه موسوم به کلاه فرنگی به همراه مجموعه ساختمان هایی در اطراف حوض میانی به جهت اسکان اهل حرم خانه جلالت ساخته شد. عشرت آباد نزدیک ترین قصریلاقی شاه به طهران بود. در هر طرف در ورودی آن چند اطاق ساخته شده بود و در طرف دست راست آبدارخانه و اطاق دفتر و در طرف چپ در انتهای باغ مربعی شکلی بیرونی واقع بود. اندرون در قسمت آخر قصر واقع بود و عمارت های آن خانه های کوچک مجزائی بود که آنها را در ردیف هم و به یک شکل دور حوض ساخته بودند. این بنا اکنون تحت نظارت سپاه و با نام یادگان ولیعصر شناخته می شود. (سه سال در دربار ایران، دکتر فووریه، ص ۱۸۶)

۱۷. ظل السلطان: سلطان مسعود میرزا بعین الذوله پسر ارشد ناصرالدین شاه و عفت السلطنه بود وی در سنه ۱۲۶۶ ه. ق. متولد شد. سه برادر قبل از او همگی در کودکی فوت کرده بودند. سلطان مسعود در سنه ۱۲۷۷ ه. ق. به لقب بعین الذوله ملقب شد و در سنه ۱۲۸۲ ه. ق. با همدم الملوک دختر میرزا تقی خان امیرکبیر و عزت الذوله ازدواج کرد. او در سال ۱۲۸۶ ه. ق. به لقب ظل السلطان ملقب شد. وی از سنه ۱۲۹۵ ه. ق. الی ۱۳۰۵ ه. ق. حاکم چهارده ایالت از جمله استرآباد، مازندران، سمنان، دامغان، فارس و اصفهان بود ولی همیشه در اصفهان اقامت داشت و مرکز حکمرانی او آنجا بود. عمارت مسعودیه در تهران متعلق به او بود هم چنین وی مؤلف کتاب تاریخ سرگذشت مسعودی است. ظل السلطان پس از غرق شدن بهرام میرزا سردار مسعود پسرش در عمارت باغ نو اصفهان منزوی و در سال ۱۳۳۶ ه. ق. در سن هفتاد سالگی در گذشت و در مشهد مقدس مدفون گردید. (شرح حال رجال ایران، ج ۴، صص ۷۸ الی ۱۹۹ / چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، صص ۴۲۵ الی ۴۲۷)

۱۸. سردار ایوب خان افغان: سردار ایوب خان یا سردار محمد ایوب خان پسر چهارم امیر شیرعلی خان افغان بود. پدرش دویمین امیر افغانستان از خاندان بارکزی بود. هنگامی که برادرش امیر یعقوب خان به دستور پدرش برای جلوگیری از مخالفت ولایت عهدی برادر کوچکترش عبدالله جان زندانی شد او که بیست سال داشت از ترس و بیم پدر به ایران گریخت و به مدت شش سال در مشهد اقامت داشت. و پس از آن به